

اسمش تجارت بود، سیاستش اشغال



دورنمایی از سربازخانه روس‌ها در سرخس کهنه مربوط به دوره قاجار- عکس از عبدالله قاجار



تصویری از نظامیان روس در خراسان

زهر ا زنگنه ا بانک، جاده، راه‌آهن و تجارت؛ رقابت روسیه و بریتانیا در شرق ایران فقط در میدان سیاست و مرزهای جغرافیایی اتفاق نمی‌افتاد. دو قدرت بزرگ آن روزگار برای به دست آوردن نفوذ بیشتر در خراسان و سیستان، وارد عرصه اقتصاد شدند؛ حضوری که از یک سو راه‌های تازه‌ای برای تجارت و ارتباط ایجاد کرد و از سوی دیگر، بانک‌ها را به ابزار نفوذ سیاسی و کالاهای خارجی را به رقیبی جدی برای صنایع بومی تبدیل کرد.

● شرق ایران؛ میدان رقابت دو قدرت در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم (دوره قاجار). خراسان و سیستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود اهمیت ویژه‌ای پیدا کردند. این مناطق از یک سو به هند- که در آن زمان تحت سلطه بریتانیا بود- نزدیک بودند و از سوی دیگر در مجاورت قلمرو روسیه قرار داشتند. همین موقعیت باعث شد شرق ایران به یکی از میدان‌های رقابت روسیه و بریتانیا تبدیل شود، رقابتی که فقط به سیاست و نظامی‌گری محدود نماند و تجارت و اقتصاد منطقه را نیز دربرگرفت.

هر دو قدرت تلاش می‌کردند با ایجاد شبکه‌های تجاری، بانکی و ارتباطی، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند. نتیجه این رقابت برای مردم و اقتصاد شرق ایران دو روی متفاوت این سکه بود؛ برخی فعالیت‌ها رونق گرفت و امکانات تازه‌ای ایجاد شد، اما در مقابل، بخشی از تجارت و صنایع بومی نیز تحت فشار قرار گرفت. البته این پیامدهای به ظاهر و در ابتدا مثبت، در ادامه نفوذ آنان را بیشتر کرد و زمینه گسترش استعماری خراسان را رقم زد. در چند گزارش منتشر شده در این صفحه با شما از رقابت بزرگ روس و انگلیس بر اقتصاد و تجارت و فعالیت‌های بانکی آنان در این دیار گفتیم و گزارش پیش رو نیز شرحی است بر گسترش راه‌های تجاری؛ البته این توسعه مسیرهای تجاری هیچگاه از سوی روسیه و بریتانیا با نیت خیرخواهانه انجام نشده و بعدها این دو قدرت استعمارگر این راه‌ها را به مسیرهای جابه‌جایی تسلیحات نظامی تبدیل کردند.

● بانک‌هایی که با خود تجارت آوردند

یکی از مهم‌ترین آثار حضور روسیه و بریتانیا در شرق ایران، تأسیس شعبه‌های بانکی وابسته به این دو کشور بود. ورود بانک‌ها، ایرانیان را بیش از گذشته با نهادهای اقتصادی و شیوه‌های نوین بانکداری آشنا کرد و حاکمان محلی و تاجران بزرگ نیز به دلیل آگاهی از مزایای این مؤسسات، به همکاری با آن‌ها روی آوردند.

البته اقدامات شعبه‌های بانک شاهنشاهی در خراسان و سیستان فقط به فعالیت‌های معمول بانکی محدود نمی‌شدند. این مؤسسات در جابه‌جایی پول و تأمین مالی تجارت نقش داشتند و در برخی موارد، فعالیت‌های مرتبط با حمل و نقل کالا را نیز انجام می‌دادند. همین مسئله به تدریج جایگاه بانک‌ها را در تجارت منطقه پررنگ‌تر کرد. رونق اقتصادی و ثبات نسبی در برخی مسیرها نیز باعث شد کاروان‌های تجاری از نقاط مختلف به سوی شرق ایران حرکت کنند. از هند، نیل (ماده‌ای طبیعی برای تولید رنگ

آبی) و برخی کالاهای دیگر وارد می‌شد، از هرات پوست به منطقه می‌رسید، از یزد قند و شکر می‌آمد و کالاهای خانگی نیز از تهران راهی قُهنستان می‌شد. در مقابل، فرش بیرجند و زعفران قاین از کالاهای مهمی بودند که از منطقه خارج می‌شدند.

به این ترتیب، بانک‌ها در کنار ایجاد تغییر در شیوه‌های مالی، به گسترش شبکه تجارت شرق ایران نیز کمک کردند؛ هرچند همین نفوذ اقتصادی، در ادامه به ابزار دیگری برای دخالت در امور منطقه تبدیل شد.

● وام بانکی؛ تعیین‌کننده سیاست منطقه بانک‌ها فقط محل نگهداری پول و انجام معاملات تجاری نبودند. روسیه و بریتانیا دریافتند که اعتبار و وام می‌تواند ابزار مؤثری برای گسترش نفوذ سیاسی نیز باشد. از همین رو، بانک‌های وابسته به دو قدرت در برخی اختلافات سیاسی و حکمرانی‌های محلی نیز نقش پیدا کردند.

نمونه روشن آن، اختلاف میان حسام‌الدوله و شوکت‌الملک بر سر حکومت قانطان بود. هر دو مدعی، تلاش داشتند با پرداخت مبالغ سنگین رشوه به دولت و دربار، حکومت منطقه را به دست آورند. در این میان، بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی بریتانیا نیز به آنان وام و مساعده می‌دادند.

بریتانیا برای جلوگیری از قرار گرفتن حسام‌الدوله در حوزه نفوذ روسیه، تا جایی که می‌توانست از او حمایت مالی می‌کرد. گزارش‌های دیپلماتیک آن دوره نشان می‌دهد که حتی برای پرداخت هزینه‌هایی که او برای رسیدن به حکومت وعده داده بود، درخواست دریافت وام از بانک هند مطرح شد.

اما زمانی که حسام‌الدوله موضع خود را به سمت روس‌ها تغییر داد، بریتانیا به حمایت از رقیب او، شوکت‌الملک، روی آورد. شوکت‌الملک نیز برای تأمین هزینه‌های خود به بانک شاهنشاهی در مشهد و شعبه‌های آن متوسل شد و وام‌های مختلفی دریافت کرد.

این ماجرا نشان می‌دهد که رقابت اقتصادی روس و انگلیس چگونه از مرز تجارت عبور کرد و به عرصه سیاست محلی رسید؛ عرصه‌ای که در آن وام بانکی ابزاری برای حفظ یا تغییر موازنه قدرت بود.

● جاده‌های تجاری؛ مسیر عبور نیروهای نظامی رقابت روسیه و بریتانیا در شرق ایران فقط به بانک و وام محدود نماند. راه‌سازی و ایجاد مسیرهای ارتباطی نیز بخش مهمی از فعالیت این دو قدرت به شمار می‌رفت. البته هدف اصلی بسیاری از این طرح‌ها تأمین منافع تجاری و راهبردی خود آنان بود. اما منجر به ایجاد مسیرهایی تازه و آسان‌تر شدن رفت‌وآمد و تجارت در داخل می‌شد. در فاصله سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۱ میلادی، جاده کویت، نوشکی، نصرت‌آباد احداث شد. در سال

۱۹۰۱ نیز جاده هند، مشهد که از سیستان عبور می‌کرد با عبور یک کاروان زیارتی هندی افتتاح شد. این مسیر یکی از مهم‌ترین راه‌هایی بود که انگلیسی‌ها در شرق ایران ایجاد کردند و قرار بود ارتباط میان هند و خراسان را آسان‌تر کند. این راه‌ها مسیر حرکت کالا و مسافر را کوتاه‌تر کردند و امکان ارتباط تجاری بیشتری میان خراسان، سیستان و هند فراهم شد. اما با آغاز جنگ جهانی اول، کارکرد این راه‌ها تغییر کرد. مسیرهایی که برای تجارت ساخته شده بودند، به سرعت اهمیت نظامی پیدا کردند.

● رونق تجارت خارجیان، بازار محلی را کساد کرد اما همه پیامدهای حضور روس و انگلیس برای شرق ایران مثبت نبود. گسترش فعالیت بانک‌های خارجی و ورود کالاهای روسی، انگلیسی و هندی، عرصه را برای بسیاری از تاجار و اصناف محلی تنگ کرد.

روزی روزگاری خراسان

تجارت فرش، که یکی از کالاهای مهم منطقه بود، نمونه روشنی از این وضعیت است. در بیرجند، تجارت فرش تا حد زیادی در اختیار تاجار روس قرار داشت و بانک روس نیز در سازمان دهی تجارت این محصول نقش داشت. در چنین شرایطی، واسطه‌های محلی و تاجران خُرد فرصت کمتری برای فعالیت پیدا می‌کردند.

از سوی دیگر، ورود گسترده کالاهای خارجی به بازار خراسان، صنایع دستی منطقه را تحت فشار قرار داد. گزارش‌های آن دوره از کاهش شدید تعداد دستگاه‌های ابریشم‌بافی و بیکاری شرعیاان در مشهد خبر می‌دهند. بر اساس گزارش کنسول بریتانیا، حدود ۱۲۰۰ دستگاه ابریشم‌بافی در مشهد وجود داشت، اما در سال ۱۸۹۸ میلادی تنها حدود ۲۵۰ دستگاه باقی مانده بود. چند سال بعد نیز تعداد این دستگاه‌ها حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ دستگاه برآورد شد.

به این ترتیب، کالایی که از کارخانه‌های اروپایی وارد می‌شد، با محصول دست‌باف محلی رقابت می‌کرد؛ رقابتی که صنایع سنتی خراسان توان چندانی برای مقابله با آن نداشتند.

● از کساد۱ بازار تا کاهش دستمزد

ضربه به صنایع محلی فقط صاحبان کارگاه‌ها و تاجار را متضرر نمی‌کرد. وقتی تعداد کارگاه‌ها کاهش پیدا می‌کرد، فرصت‌های شغلی نیز کمتر می‌شد و کارگران بیشتری با بیکاری یا کاهش دستمزد روبه‌رو می‌شدند.

هم‌زمان، افزایش قیمت برخی کالاهای ضروری فشار بیشتری بر مردم وارد می‌کرد. برای نمونه، مقایسه قیمت نان در گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که قدرت خرید کارگران مشغدی در فاصله چند دهه به شکل محسوسی کاهش یافته بود. اگر در سال ۱۸۳۰ میلادی یک کارگر با یک قران می‌توانست حدود ۱۵ تا ۳۵ کیلو نان بخرد، در سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۶ خرید همین مقدار نان به حدود ۷٫۵ تا ۱۷٫۵ قران هزینه داشت.

بنابراین، رقابت اقتصادی قدرت‌های خارجی فقط در آمار تجارت و میزان واردات دیده نمی‌شد، آثار آن به بازار کار، قیمت کالاهای ضروری و زندگی روزمره مردم نیز می‌رسید.

● رقابتی که شرق ایران را تغییر داد

رقابت تجاری روسیه و بریتانیا در خراسان و سیستان، چهره اقتصادی شرق ایران را تغییر داد. تأسیس بانک‌ها، گسترش شبکه‌های تجاری، ایجاد جاده و راه‌آهن و آسان‌تر شدن رفت‌وآمد، بخشی از پیامدهای این حضور بود. از این نظر، منطقه با برخی ابزارها و نهادهای اقتصادی جدید آشنا شد و ارتباطش با بازارهای هند و دیگر مناطق گسترش پیدا کرد. اما روی دیگر ماجرا، افزایش وابستگی اقتصادی و سیاسی بود. بانک‌ها به ابزار نفوذ در امور حکمرانی تبدیل شدند، کالاهای خارجی بخشی از بازار صنایع بومی را در اختیار گرفتند و بسیاری از تاجار، صرافان و صاحبان مشاغل سنتی با کاهش فعالیت خود روبه‌رو شدند. در نهایت، رقابت روسیه و بریتانیا در شرق ایران بیش از آنکه رقابتی صرفاً تجاری باشد، بخشی از تلاش دو قدرت برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بود؛ رقابتی که این بخش از ایران را به یکی از مهم‌ترین میدان‌های بازی قدرت‌های خارجی تبدیل کرد و آثار آن تا سال‌ها در اقتصاد و جامعه منطقه باقی ماند.

وقتی تمدن ایران با مهاجرت یک تاجر به جزیره زنگبار، سر از آن سوی دنیا درآورد

شیرازی‌ها در یک جزیره آفریقایی

بیشتر راجع بود. به همین دلیل، آفریقایی‌ها و نژادهای میکس، به شیرازی‌ها معروف شدند.

اما زنگبار فقط با شیرازی‌ها شناخته نمی‌شود بلکه نسبتی دلی هم با مشهد و امام رضا^ع دارد؛ کسانی‌که به شرق آفریقا و کشور تانزانیا و زنگبار سفر کرده باشند زمانی‌که در کوچه‌پس‌کوچه‌های جزیره تاریخی زنگبار گذر می‌کنند نام محلی به نام «محفل شاه خراسان» را مشاهده می‌کنند که با خط زیبای فارسی توجه عابران و گردشگران را به خود جلب می‌کند.

با تحقیقات انجام شده این حسینیه که در ادبیات مرسوم شیعیان زنگبار به «محفل» موسوم است سال‌ها محل زیارت و عزاداری سالار شهیدان، حسین بن علی، بوده است که ضریح نمادینی از مرقد مطهر علی بن موسی الرضا^ع در آنجا نصب شده است.

شیعیان منطقه شرق آفریقا که دارای تاریخی ۲۵۰ ساله در کشورها و جزایر شرق آفریقا هستند به علت دشواری سفر و نبود امکانات تردد در آن زمان چون نمی‌توانستند برای زیارت به مشهد مقدس

اما بعدها اعراب و ایرانی‌هایی که به تجارت برده، عاج و ادویه می‌پرداختند، به زنگبار مهاجرت کردند. شیرازیان مزبور که حدود هفتاد نفر بودند، پس از ورود و سکونت در این جزیره به فعالیت‌های تجاری و کشاورزی روی آوردند. مهاجران ایرانی سپس به تدریج با گذشت ایام با بومیان زنگبار ازدواج کرده و از آن زمان نژادی به نام شیرازی در این جزیره به وجود آمد که بقایای این نژاد که عبارت است از پوست گندمگون نه چندان تیره و موهای فرفری مجعد هنوز در گوشه و کنار جزیره زنگبار به چشم می‌خورد.

اما سرنوشت زنگبار پس از این مهاجرت چه شد؟ برابر اسناد، کاشفان پرتغالی در پایان قرن پانزدهم وارد جزیره شدند و پرتغال نزدیک به ۲۰۰ سال، استعمار خود را حفظ کرد اما در سال ۱۶۹۸ میلادی، جزایر به دست عمان افتاد که قلمرو آن، در امتداد ساحل سرزمین اصلی آفریقای شرقی گسترش یافته بود. در طول ۱۳۰ سال حاکمیت عمان، ثروت زنگبار به دست اعراب افتاد. در حالی که در میان اعراب و آفریقایی‌ها اختلاط نژادی اندکی وجود داشت اما ازدواج بین آفریقایی‌ها و ایرانی‌ها

ترایی ا امروزه جزیره زنگبار، یکی از جزایر زیبا و بکر قاره آفریقا است که توجه بسیاری از گردشگران جهان را جلب کرده اما جالب است بدانید در این جزیره زیبا که ۷۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و در منطقه شرقی جمهوری تانزانیا واقع شده، ده‌ها اثر باستانی متعلق به ایران قرار دارد که در گوشه و کنار این جزیره و گاهی در دورافتاده‌ترین مناطق آن به چشم می‌خورد اما ماجرا چیست؟

اگرچه این آثار باستانی حکایت از عمق نفوذ ایرانیان در جزیره زنگبار در صدها سال پیش و پذیرش آنان توسط مردم بومی و حکام محلی دارد، اما ریشه‌اش به یک سفر عجیب برمی‌گردد؛ برابر اسناد تاریخی، حدود هشتصد سال پیش، گروهی از شیرازی‌ها به سرپرستی علی بن الحسین نامی که از بزرگان شیراز بوده، به همراه زنان، فرزندان و عده‌ای از خویشان خود توسط دو کشتی به این جزیره وارد شده و تاریخ نوینی را در این جزیره دورافتاده رقم زدند که آثار آن همچنان پابرجا و محفوظ مانده است.

به روایت تاریخ، جزایر زنگبار، اونگوجا و پمبا در ابتدا ساکنانی آفریقایی داشتند،



نقاشی جزیره شیرازی‌ها اثر جرج بارون



خانواده‌ای در لباس شیرازی در زنگبار / عکاس، نارون اکوتور



چند نماز از محفل شاه خراسان در زنگبار



عزاداری و سینه‌زنی شرکت می‌کنند.

منبع: آثار باستانی ایران در جزیره زنگبار، مجله چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی

امروزه این محفل پذیرای شیعیان در مراسم‌های مذهبی است و در ایام محرم و صفر به ویژه اربعین حسینی صدها نفر از شیعیان با سفر به این جزیره در مراسم‌های

گزارش‌های مرتبط با بازی بزرگ روس و انگلیس بر سر استعمار خراسان را در لینک‌های زیر بخوانید



گزارش‌های مرتبط با بازی بزرگ روس و انگلیس بر سر استعمار خراسان را در لینک‌های زیر بخوانید

تاریخ نگار